



پریسا ساسانی
منتقد سینما:

ملودرامی خانوادگی با پتانسیل بالا اما روایتی شتاب زده

در ابتدا می‌خواهم برداشت کلی‌تان از سریال «از یاد رفته» را بگویم؛ و این که اثر در ژانر ملودرام خانوادگی ساخته شده؛ فکر می‌کنید تا اینجا در تحقق اهدافش موفق بوده است؟

واقعیت این است که اولین نکته‌ای که در این سریال توجهم را جلب کرد، قابلیت تماشای خانوادگی آن بود. ما در سال‌های اخیر در بسیاری از سریال‌های پلتفرم‌های نمایش خانگی شاهد حضور پررنگ خشونت و موضوعات تند بودیم؛ مسائلی که شخصاً با توجه به حضور بچه‌های کوچک در خانه، ترجیح می‌دهم کمتر در معرض‌شان باشیم. در این سریال اما چنین فضایی وجود ندارد و این موضوع یک امتیاز مهم است.

از سوی دیگر، داستان ملودرام اجتماعی سریال، به نوعی بازتابی از زندگی بسیاری از ماست. مخاطب می‌تواند بخشی از تجربه‌های خودش را در شخصیت‌ها و موقعیت‌های داستان پیدا کند و همین ارتباط با اثر را آسان‌تر می‌کند. ضمن اینکه تجربه‌های قبلی من از کارگردانی آقای نیک‌نژاد، باعث شد با نگاه دقیق‌تری این اثر را ببینم. هرچند سریال نقاط ضعفی دارد و می‌توانست در بعضی جنبه‌ها بهتر عمل کند، اما در مجموع، نمای کلی و ویتزینی که از یک ملودرام خانوادگی ارائه می‌دهد، درست و استاندارد است.

همان‌طور که اشاره کردید، یکی از تفاوت‌های این سریال با بسیاری از آثار اخیر پلتفرم‌ها، نبود صحنه‌های خشونت‌آمیز است. در مقایسه با تولیدات مشابه، «از یاد رفته» را در چه جایگاهی می‌بینید؟

اگر بخواهیم با سریال‌های چند سال اخیر مقایسه کنیم، می‌بینیم که بسیاری از آثار نمایش خانگی سراغ فضاهای تند و ملتهب رفته‌اند. اما «از یاد رفته» به لحاظ حفظ فضای خانوادگی و پرهیز از خشونت‌های اغراق‌شده تفاوت دارد. در گذشته سریال‌های تلویزیونی مثل آثار حسن فتحی، از جمله «مدار صفر درجه» یا برخی کارهای اجتماعی دیگر، به خوبی خانواده را در بستر داستان‌های بزرگ‌تر روایت می‌کردند.

در نمایش خانگی اما کمتر شاهد چنین آثاری بوده‌ایم. نمونه‌هایی مثل «مگه تموم عمر چند تا بهاره؟» یا «در انتهای شب» به دلیل پرداختن به دغدغه‌های اجتماعی و خانوادگی توانستند با مخاطب ارتباط برقرار کنند. به نظر من، «از یاد رفته» هم در همین دسته قرار می‌گیرد؛ چون می‌تواند خانواده‌ها را پای تماشای بنشانند و قصه‌ای ارائه دهد که هم سرگرم‌کننده است و هم بی‌نیاز از حذف یا سانسور برای تماشای جمعی.

بازیگران اصلی مثل حمیدرضا آذرنگ، پردیس احدی، سینا مهراد و سایر چهره‌ها در این سریال حضور دارند. ارزیابی شما از کیفیت بازی‌ها چیست و فکر می‌کنید بهترین نقش‌آفرینی متعلق به چه کسی است؟

یکی دیگر از نقاط قوت «از یاد رفته» حضور بازیگران تواناست. بیشتر چهره‌های سریال، در کارنامه‌شان نقش‌های درخشان دارند و همین سطح بالای تجربه، به سریال اعتبار می‌دهد. نکته جالب اینجاست که چنین بازیگران در قالب یک خانواده، به شدت حساب شده انجام شده است؛ طوری که هماهنگی بین اعضای خانواده باورپذیر و طبیعی به نظر می‌رسد. مثلاً در روایت، ما با خانواده‌ای روبه‌رو هستیم که پدر مسن دوباره ازدواج کرده و از همسر دومش فرزندی دارد. انتخاب بازیگران برای این روابط پیچیده، دقیق و بجا بوده است. شخصیت‌پردازی‌ها هم پخته و روان‌شناسانه هستند و این کمک می‌کند تا مخاطب با هر شخصیت ارتباط برقرار کند. از نظر من، تمام



ندارد و البته خودش هم چنین ادعایی ندارد. همه نشانه‌ها و مضامینی که در سریال به کار گرفته شده‌اند، کلیشه‌های تکرار شده‌ای هستند که سال‌ها در تلویزیون و نمایش خانگی دیده‌ایم. برای نمونه، مضامینی مثل داماد سرخانه و اختلاف او با پدر زن، رابطه عاشقانه شکست خورده به دلیل اختلاف طبقاتی، سوءاستفاده از سرمایه شرکت، آشکار شدن فساد توسط یک عنصر پاک‌دست و در نتیجه بالا گرفتن کشمکش‌های خانوادگی همه از همان الگوهای بارها آزموده شده‌اند.

سریال در پرداخت به روابط انسانی و عاطفی چقدر عمق پیدا کرده است؟

در این بخش هم باید کمی صبر کرد، اما تا این جای کار روابط کاملاً در سطح کلیشه‌های آشنا باقی مانده‌اند. در برخی موارد حتی ابهام‌هایی وجود دارد که باعث سردرگمی مخاطب می‌شود. مثلاً رابطه میان حسابدار شرکت (الهام کردا) و بهرام (فرهاد اصلانی) روشن نیست؛ بهرام از یک سو به لحاظ عاطفی به دختر دیگری دل بسته، اما از سوی دیگر همچنان به رابطه با حسابدار ادامه می‌دهد و این احساس را هم از او پنهان می‌کند. نکته اینجاست که ما به جز یک صحنه کوتاه در رستوران، هیچ نشانه‌ای از این درگیری عاطفی در زندگی شخصی بهرام نمی‌بینیم؛ در حالی که چنین شرایطی باید تأثیر آشکاری بر رفتار و کنش‌های او بگذارد.

شخصیت‌های اصلی سریال تا چه اندازه دارای هویت و انگیزه‌های روشن هستند؟

تا قسمت پنجم، شخصیت‌ها فاقد عمق روانی کافی هستند و سریال در روشن کردن انگیزه‌های آن‌ها چندان موفق عمل نکرده است. برای مثال، ناصر مدام گله می‌کند که به اندازه زحمتی که کشیده نزد پدر زنش جایگاهی ندارد؛ اما سریال نتوانسته با نشانه‌های تصویری این ادعای او را تقویت کند و در نتیجه مخاطب قانع نمی‌شود. به طور کلی، سریال هنوز نتوانسته شخصیت‌هایی بسازد که سوگیری‌های رفتاری‌شان ریشه در انگیزه‌های قابل باور داشته باشد.

بازی بازیگران را در انتقال احساسات و ایجاد باورپذیری چطور ارزیابی می‌کنید؟

بخشی از ارزیابی بازیگری به سلیقه مخاطب بستگی دارد. اما به نظر می‌رسد تا این جای کار، بازی‌ها در مجموع تأثیرگذاری چشمگیری ندارند و در کارنامه بسیاری از بازیگران، این نقش‌ها گامی رو به جلو محسوب نمی‌شوند. در اغلب موارد، شخصیت‌ها تکرار همان نقش‌هایی هستند که بازیگران بارها تجربه کرده‌اند.

آیا سریال توانسته ترکیب مناسبی از بازیگران شناخته شده و تازه‌کار ارائه دهد؟

خیر، دست کم تا قسمت پنجم ما هیچ بازیگر تازه‌کاری نمی‌بینیم. اغلب چهره‌ها شناخته شده و برای مخاطب آشنا هستند.



مصطفی مرشدلو
منتقد سینما:

فرصت از دست رفته یک ملودرام برای خلق روایتی متفاوت

خط داستانی سریال «از یاد رفته» تا چه اندازه توانسته یک ملودرام منسجم و جذاب خلق کند؟

برای قضاوت درباره انسجام روایت هنوز کمی زود است، چون داستان همچنان در حال شکل‌گیری است و نقاط اوج سریال به طور کامل نمایان نشده‌اند. باید صبر کنیم تا ببینیم در قسمت‌های بعد، سریال در گره‌گشایی‌ها و شگفتانه‌های احتمالی چطور عمل می‌کند و آیا می‌تواند میان اطلاعاتی که تاکنون به مخاطب داده، پیوستگی منطقی ایجاد کند یا نه. اما درباره جذابیت اثر باید گفت که سریال از عناصر تکراری ملودرام‌های مشابه. مثل ستاره‌های جوان، تم عشق از دست رفته و رسیدن به موفقیت یک‌شبه. کم و بیش بهره برده، اما نتوانسته به محصولی خارج از جریان رایج تبدیل شود. تا قسمت پنجم، سریال هنوز در خلق یک جهان ذهنی عمیق برای شخصیت‌ها ناتوان بوده است؛ شخصیت‌ها صرفاً در حال کنش و واکنش نسبت به هم هستند و ما لایه‌های درونی آن‌ها را نمی‌بینیم.

آیا روایت سریال توانسته از کلیشه‌های رایج در ملودرام‌های ایرانی فاصله بگیرد؟

نه، سریال از این نظر هیچ تفاوتی با بسیاری از آثار مشابه



بازیگران کارشان را به خوبی انجام داده‌اند، اما سینا مهراد و پردیس احمدی در القای احساسات درونی و ساختن لایه‌های پنهان شخصیت‌ها، کمی برجسته‌تر عمل کرده‌اند.

نظر شما درباره کارگردانی آقای نیک‌نژاد چیست؟ به نظر می‌رسد او پیش‌تر تجربه پررنگی در این ژانر نداشته؛ آیا توانسته خودش را در این فضا تثبیت کند؟

به نظر من، هرچند شاید آقای برزو نیک‌نژاد در آثار قبلی‌اش بیشتر سراغ فضاهای متفاوت رفته بود، اما در «از یاد رفته» نشان داد که درک درستی از قواعد ملودرام خانوادگی دارد. او توانسته تعلیق ایجاد کند، شخصیت‌ها را در جایگاه‌های درست قرار دهد و به طور کلی، جریان قصه را روان پیش ببرد. البته سریال بی‌نقص نیست و در بخش‌هایی از تدوین و روایت می‌شد دقیق‌تر عمل کرد، اما در مجموع، کارگردان از پس این پروژه برآمده است.

به نقاط ضعف سریال اشاره کردید. به نظر شما مهم‌ترین بخش‌هایی که نیاز به بهبود داشتند، کدام‌اند؟

سریال پتانسیل بالایی دارد. یکی از این موارد، تدوین است. اگر شتاب روایت کمی کنترل می‌شد، اثر می‌توانست منسجم‌تر و عمیق‌تر به نظر برسد. مورد دیگر، پرداخت ناکافی به عمق شخصیت‌ها در برخی قسمت‌هاست؛ برای مثال، شخصیت «هانیه» می‌توانست لایه‌های بیشتری داشته باشد و بازیگر توانمندش ظرفیت چنین پرداختی را داشت. با این حال، از آنجا که سریال ۱۸ قسمتی است و هنوز قسمت‌های پایانی پخش نشده، این امکان وجود دارد که برخی از این نقاط در ادامه بهتر شوند. در مجموع، «از یاد رفته» تجربه‌ای ارزشمند برای مخاطب است؛ اثری که با وجود کاستی‌های فنی، قصه‌گو است و می‌تواند در ادامه پخته‌تر و جذاب‌تر هم بشود.